

دو فصلنامه علمی - تخصصی علامه

سال دوازدهم - شماره پیاپی ۳۷

بهار و تابستان ۹۱

تکامل در برزخ از منظر عقل و نقل*

ناصر فروهی**

سمانه ارجمندمنش***

چکیده

از موضوعات مهم زندگی انسان در مسیر بازگشت به سوی خداوند، مرگ است که به وسیله آن روح از بدن جدا شده و در اولین عالم از عوالم بعد از دنیا به نام عالم برزخ قرار می‌گیرد؛ عالمی که وسیع‌تر، دقیق‌تر و لطیف‌تر از عالم دنیاست. روح پس از انقطاع از بدن خاکی، خود را با بدن برزخی می‌یابد که متناسب با احکام و آثار عالم برزخ است. قالب مثالی موجود در خواب تا حدودی هدایت‌گر شناخت اجمالی انسان به وجود و ماهیت بدن برزخی است. از طرف دیگر براساس حرکت جوهری، نفس انسان به سوی کمال خویش در حرکت است، بر همین اساس است که روح با تهی کردن قالب مادی خود، با ورود به عالم برزخ به حیات برزخی خویش ادامه می‌دهد. اما سؤال این است که آیا روح انسان با ورود به عالم برزخ

* تاریخ دریافت: ۹۱/۲/۹

تاریخ پذیرش: ۹۱/۳/۲۰

** استادیار دانشکده الهیات و علوم اسلامی دانشگاه تبریز

*** دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشکده الهیات و علوم اسلامی دانشگاه تبریز

تکاملش به پایان می‌رسد یا تکاملش همچنان ادامه دارد؛ با استناد به ادله عقلی و نقلی می‌توان ثابت کرد که روح با جسم مثالی خود در برزخ به تکامل متناسب با آن عالم ادامه می‌دهد. این نحوه از تکامل با تجرد روح، با اصل حرکت در نظام مادی و یا با انجام وظایف و تکالیف شرعی در دنیا منافات ندارد و در واقع تکامل برزخی برای مؤمنان بیرون آمدن از حجاب‌ها و آمادگی یافتن برای ورود به بهشت است و برای کافران به معنای نزدیک شدن به عذاب الهی در حد نظام برزخی و آمادگی برای ورود به جهنم است.

واژگان کلیدی: عالم برزخ، تکامل برزخی، تکامل روح، حرکت جوهری، بدن مثالی

مقدمه

این که انسان در ادامه زندگی مادی خود با حقیقتی به نام مرگ مواجه خواهد شد، جای تردید نیست و همچنین در این که انسان وقتی اجلش به سر آمد و هنگام مرگ او فرا رسید، زمان مرگش لحظه‌ای پس و پیش نخواهد شد، باز جای شک نیست؛ چرا که خداوند در قرآن می‌فرماید: «لا یستأخرون ساعه و لا یستقدمون» (اعراف/۳۴) اما سخن در این است که آیا روح همه انسان‌ها در این دنیای مادی کمال درخور خویش را کسب می‌نمایند و بعد مرگشان فرا می‌رسد یا ممکن است برخی از ارواح قبل از تکامل لازم با اجل معلق مجبور شوند دنیا را ترک کرده و به عالم برزخ منتقل شوند؟ و اگر با اجل معلق مرگشان فرا رسد، آیا در عالم قیامت ناقص حضور پیدا خواهند کرد یا این که همه ارواح اعم از سعید و شقی بعد از تکامل در عالم برزخ به عالم قیامت راه می‌یابند؟

نفوسی که در دنیا کامل و با مرگ طبیعی دنیا را ترک کرده باشند، مانند نفوس انبیای الهی، دیگر نیاز به تکامل ندارند لذا عالم برزخ آنها خیلی کوتاه خواهد بود و اگر تکاملی هم مطرح باشد به معنای بالا رفتن درجه آنهاست نه به این معنا که ارواح ایشان نواقصشان را تکمیل نماید. اما نفوسی که هنوز کامل نشده و دنیا را ترک می‌کنند به اندازه‌ای که نقص دارند عالم برزخشان طول خواهد کشید و بعد از کسب کمال لازم به قیامت منتقل می‌شوند؛ ارواحی که از گروه سعدا هستند بهره کافی را برای جبران کمبودها و صعود به مرتبه بالاتر کسب نموده و آمادگی لازم را برای ورود به بهشت به دست خواهند آورد و ارواحی که از گروه اشقیا هستند آنها نیز به پایین‌ترین درجه سقوط کرده و آمادگی لازم را برای ورود به جهنم پیدا خواهند نمود. در این مقاله تلاش شده با استناد به ادله عقلی و نقلی این موضوع به اثبات برسد.

معانی برزخ و اسامی آن

برزخ در لغت، به معنی پرده و حائل است که بین دو چیز واقع می‌شود و نمی‌گذارد این دو به هم برسند (راغب اصفهانی؛ بی تا، ج ۱: ص ۱۷۵).
در اصطلاح، منظور جهانی است که بین دنیا و عالم آخرت قرار گرفته است. یعنی هنگامی که روح از بدن جدا می‌شود، پیش از آن که بار دیگر در قیامت به بدن اصلی بازگردد، در عالمی میان این دو عالم که به آن برزخ گفته می‌شود، قرار خواهد داشت. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۵: ص ۴۴۳)؛ تعریفی که برای برزخ اصطلاحی بیان شده بر گرفته از آیات قرآن (مؤمنون/۱۰۰) و روایات (مجلسی، ۱۳۶۹، ج ۶، ص ۲۶۷) می‌باشد که در این آیات و روایات، به میان و حد فاصل دنیا و قیامت عالم قبر یا برزخ اطلاق شده است.

یکی از نام‌های عالم برزخ، عالم قبر است (راغب اصفهانی، بی تا، ج ۱: ص ۱۷۵) و نام دیگر آن عالم مثال است، زیرا هر چه در عالم طبیعت موجود است، صورتشان در این عالم محقق است و اولین جهانی است که حقایق تنها در آن دارای صورت‌اند. هم چنین به آن خیال منفصل یا خیال مطلق نیز نسبت داده‌اند زیرا در عین همانندی با خیال بشر از آن جدا و منفصل است (دیوانی، ۱۳۷۶: ۱۷۷) و نیز دیگر اسامی آن قیامت صغری است. از نظر علما قیامت دو بخش است؛ قیامت صغری و قیامت کبری، قیامت صغری که شروع آن با لحظه مرگ هر انسانی است اما قیامت کبری، قیامتی دسته جمعی است که همراه با یکسری تحولات می‌باشد (عباس‌زاده، ۱۳۸۲: ۱۱۱).

فلسفه برزخ

فلسفه زندگی در دنیا به خوبی روشن است؛ چرا که دنیا محل کشت، آزمایش، تحصیل کمالات علمی و عملی برای آخرت است و آخرت هم، دادگاه بزرگ حق،

محل رسیدگی به حساب اعمال و جوار قرب و رحمت خداوند است. اما فلسفه عالم «برزخ» که در فاصله میان دنیا و آخرت قرار گرفته است، زمانی روشن می‌شود که انسان بخواهد به محیطی کاملاً متفاوت با محیط اولش منتقل شود، فاصله‌ای که بعضی از ویژگی‌های محیط اول (دنیا) و پاره‌ای از ویژگی‌های محیط دوم (عالم قیامت) را در خود جمع کرده است.

از طرف دیگر معلوم است که قیامت برای همه انسان‌ها و در یک روز تحقق می‌یابد و همه با هم محشور می‌شوند و ممکن نیست هر انسانی مستقلاً برای خود قیامتی داشته باشد؛ لذا با توجه به ویژگی‌های خاص برای تحقق قیامت راهی جز این نیست که در میان دنیا و آخرت، برزخی باشد تا ارواحی که به مرور زمان دار فانی را وداع می‌گویند و از بدن مادی و عنصری جدا می‌شوند به برزخ منتقل شوند و به اصطلاح «آیندگان» به «رفتگان» بپیوندند تا روز قیامت که حساب‌رسی عمومی برپا شود و همه در یک روز و در یک مکان جمع می‌شوند (صالح حاجی‌آبادی، ۱۳۸۲: ۸۷).

انواع اجل

با توجه به مضمون آیات و روایات انسان دارای دو نوع اجل است :

۱- اجل حتمی یا مرگ طبیعی

۲- اجل معلق یا مرگ اخترامی

وقتی از امام صادق درباره آیه شریفه «قضى اجلا و اجل مسمی عنده» سؤال می‌شود، حضرت در جواب می‌فرماید: «هما اجلان: اجل مختوم و اجل موقوف» (کلینی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۱۴۷) طبق این روایت حضرت با عنایت به آیه شریفه اجل انسان را به اجل حتمی و اجل معلق تقسیم می‌کنند.

اجل حتمی یا مرگ طبیعی

اجل حتمی یا مرگ طبیعی وقتی است که نفس انسان از نظر تجرد در حرکت جوهری خود به مرتبه‌ای برسد که دیگر نیازی به بدن دنیوی نداشته باشد و همه قوای او به فعلیت رسیده و مستقل شده باشد، آن وقت نفس سرای طبیعت و بدن مادی را ترک کرده و همراه با بدن مثالی‌اش به سرای دیگر (عالم برزخ) منتقل می‌شود.

امام خمینی (ره) در توضیح اجل حتمی و مرگ طبیعی می‌نویسد: «موت طبیعی که لایتأخر ساعه ولا يتقدم ابدأ» زمانی است که هر اندازه ماده استعداد قبول فیض داشته به آن افاضه صور شود. وقتی از ناحیه مفیض آنچه امکان داشت عطا شد و محل قابل هم به اندازه‌ای که مستعد قبول بود دریافت فیض کرد، و همه قوه‌هایش به فعلیت رسید و نفس مستقل شد، دیگر امکان ندارد حتی به اندازه یک آن، نفس در بدن باقی بماند. خروج نفس از بدن دلبخواهی نیست، بلکه استقلال کامل نفس، عین خروجش از بدن می‌باشد و این استقلال به اختیار نیست، بلکه بر طبق حرکت قهری جوهری موجود است.... اگر حقیقت جوهریه نفس به جایی که بر طبق حرکت جوهریه باید برسد، رسید مستقل می‌شود و قطاع از طبیعت واقع می‌گردد و ممکن نیست این قطاع آنی، این طرف و آن طرف شود «لا یستأخرون ساعه و لا یستقدمون» (اعراف، ۳۴) این آیه شریفه اشاره به همان اجل حتمی است که در اخبار گفته شده است (رحیم پور؛ ۱۳۸۲: ۱۷۰).

اجل معلق یا مرگ اخترامی

نوع دیگر اجل یا مرگ، اجل معلق یا مرگ اخترامی است. در این نوع مرگ تقدیم و تأخیر ممکن است چون در این نوع مرگ نفس هنوز به مرتبه تجرد درخور خود نرسیده است، طبعاً باید برای رسیدن به تجرد خود به حیات ادامه دهد تا به مرتبه‌ای

برسد که بتواند بدون بدن مادی به حیات خود ادامه دهد، لکن از خارج بر اثر تصادف یا امراض یا حضور در میدان جنگ و علل دیگر خللی در بدن حاصل می‌شود و نفس علی رغم میل خود، بدن مادی را ترک نموده و به سرای دیگر (عالم برزخ) منتقل می‌شود.

امام خمینی (ره) در توضیح مرگ اخترامی می‌نویسد: موت دیگر موت اخترامی است که در اخبار از آن به موت معلق تعبیر آورده‌اند و به گونه‌ای نیست که تأخیر و تقدم آن ممکن نباشد، این مرگ از تصادفات خارجی حاصل می‌شود و در شرایطی که هنوز در ماده استعداد قبول صورت مانده و صورت و نفس همچنان قابلیت تکامل یافتن در ماده را دارد و حرکت جوهریه نفس نیز تمام نشده است و استعداد ماده هم به آخر نرسیده است، منتهی از خارج خللی در بدن حاصل می‌شود؛ مثلاً شخصی از پشت بام می‌افتد یا زیر ماشین می‌رود یا گلوله‌ای به او اصابت می‌کند، اگر این خلل خارجی نباشد ماده هنوز مستعد قبول صورت و تکامل یافتن است و نفس هم هنوز مستقل نشده و به بدن احتیاج دارد، لکن به سبب خلل و آسیبی که از خارج رسیده بدن خرد شده یا استخوان‌ها شکسته و یا موانع داخلی بدن را هدم کرده و از لیاقت اینکه نفس با این ماده باشد انداخته، این است که خانه فرو می‌ریزد و نفس هم ناچار می‌شود بیرون برود.

تقسیم مرگ به طبیعی و اخترامی از نگاه فلسفه

تقسیم مرگ به طبیعی و اخترامی از نظر فلسفه نیز قابل توجیه است، چرا که نفس، صورت بدن است و بدن تابع ذاتی نفس می‌باشد و نفس با توجه تجرد و حرکت جوهریه‌اش رو به استقلال از عالم ماده و رو به عالم غیب در حرکت است، لذا هر چه

تجردش بیشتر شود مجذوبیت‌اش به عالم غیب زیادت‌ر و اشتغالش به طبیعت کمتر خواهد شد، به همین سبب است که بدن در اثر قطع نظر نفس به تدریج دچار ضعف و سستی قوا می‌شود تا وقتی که نفس به استقلال تام برسد. در این زمان به طور کلی بدن را رها می‌کند و به طور تام و کامل از طبیعت اعراض می‌نماید، پس از آن که مدت‌ها بود به اعراض تدریجی ذاتی قهری به سبب جدا شدن از بدن حرکت می‌کرد. این همان معنای موت طبیعی است.

اگر در وسط حرکت طبیعی خلل خارجی و آسیبی که از بیرون به بدن وارد می‌شود، جلوی این سیر طبیعی را بگیرد و بدن را از قابلیت بیندازد و مانع تکامل نفس به واسطه مادی با حرکت جوهری خود شود، آن وقت نفس ناخواسته از بدن مادی جدا می‌شود، در حالی که هنوز به مرتبه تجرد کامل که بتواند بدون بدن مادی به حیات خود ادامه دهد، نرسیده بود و این همان معنای موت اخترامی است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۸: ۱۰۰-۱۰۱).

امکان تکامل در برزخ

شکی نیست که قریب به اتفاق انسان‌ها با مرگ اخترامی از دنیا می‌روند و نفس ناخواسته به سبب عوامل خارجی از بدن مادی خود بدون این که به تکامل واقعی خود رسیده باشد، جدا شده و با مرگ مواجه می‌شود، جز عدهٔ قلیلی از انسان‌های وارسته مانند انبیای الهی و اوصیا و اولیای الهی که آنها با مرگ طبیعی خود عالم ماده و بدن مادی خود را ترک می‌کنند و به سرای دیگر منتقل می‌شوند (رحیم پور؛ ۱۳۸۲: ۱۰۷).

انسان‌هایی که با اجل طبیعی از دنیا می‌روند، نفوسشان کامل شده و نیازی به تکامل ندارند، ولی نفوسی که با اجل معلق دنیا را ترک می‌کنند چون هنوز کمال لازم برای حضور در قیامت را کسب نکرده‌اند لذا آمادگی درک قیامت را ندارند، آن‌گاه جای این سؤال باقی است که تکلیف چنین نفوسی که هنوز به تجرد کافی نرسیده‌اند و بالاجبار و به خاطر آسیب‌های خارجی از بدن‌های مادی و دنیوی خود جدا شده‌اند چه می‌شود و چگونه و در کجا به تجرد کامل می‌رسند؟ تکامل چنین نفوسی از دو صورت خارج نیست: صورت اول این است که قائل به تناسخ شویم و بگوییم در همین دنیا به بدن‌های دیگر منتقل شده و با آن بدن‌ها تکامل می‌یابند که بطلان این فرض بدیهی و در جای خود ثابت شده است (حسن زاده، ۱۳۸۲: ۱۲۵). صورت دوم این است که قائل شویم به اینکه وقتی نفس به عالم برزخ منتقل شد در آنجا متناسب با آن عالم به تکامل می‌رسد، این جا است که امکان تکامل در برزخ برای نفوسی که با اجل معلق بدن مادی را ترک کرده‌اند در حالی که هنوز به تکامل واقعی خود نرسیده‌اند، مطرح می‌شود. یعنی چنین نفوسی قبل از برپا شدن رستاخیز و قیامت و قبل از رسیدن به عالم عقل باید شرایط حضور در آن عالم را کسب کرده باشند.

دلایل تکامل در برزخ

تکامل در عالم برزخ هم با دلیل عقلی و هم با دلیل نقلی قابل اثبات است، در این قسمت هر کدام ادله را به طور جداگانه تبیین می‌شود.

دلیل عقلی تکامل در برزخ:

با توجه به این که عالم برزخ همه خصوصیات عالم ماده و دنیا را اعم از صورت، کم، کیف به غیر از جرم برخوردار است (مانند خواب)، از نشئه عالم دنیا محسوب

می‌گردد، بنا براین افرادی که هنوز به تکامل در خور خود نرسیده و آمادگی وصول به ذات مقدس خداوند را به دست نیاورده‌اند در عین حال عالم ماده را ترک کرده‌اند، باید قبل از انتقال به عالم قیامت و ملاقات با ذات اقدس الهی به آمادگی لازم برسند، بنابراین باید جایی برای تکامل چنین نفوسی مهیا گردد و آن مکان جز عالم برزخ نخواهد بود، چون از یک سو فرد دستش از عالم دنیا کوتاه شده و از سوی دیگر تا به تکامل حقیقی خود نرسد به عالم آخرت منتقل نمی‌شود، پس فقط در عالم برزخ چنین تکاملی محقق می‌شود، در غیر این صورت نفوس ناقص به عالم آخرت منتقل شوند و این هم محال است.

علامه طهرانی در این زمینه می‌نویسد: «چون عالم برزخ از نشئه عالم دنیا محسوب می‌گردد، لذا از صورت، کم و کیف برخوردار است، مؤمنینی که از خانه نفس خود بیرون آمده و خروج از بیت را تحصیل کرده‌اند و به هجرت پای نهاده ولی هنوز به مقام کمال خود که وصول به حقیقت ولایت و اندکاک در اسما و صفات الهیه و بالاخره عالم فنای مطلق در ذات مقدس اوست نرسیده‌اند، در عالم برزخ کامل می‌شوند و در هنگام قیامت با کمال واقعی خود محشور می‌گردند و این معنا طبق کلیات وارده از حکمت الهیه قرآنی و سنت نبویه قابل قبول است، چون کسی که عازم هجرت باشد بر اساس این نیت که رسول الله فرمود: «من کانت هجرته الی الله و رسوله فهجرته الی الله و رسوله» با رسول خدا معیت پیدا نموده و در حظیره قدس الهی با تماشای جمال حضرت ازلی و ابدی و سرمدی مشغول و از مقام ولایت مطلقه و عبودیت صرفه بهره کافی خواهد یافت. بر این اساس افرادی که نفوس آنها به مقام فعلیت نرسیده و ناقص از دنیا رفته‌اند، باید در برزخ تکمیل و پس از آن در قیامت انفسیه حضور یابند» (۱۴۲۰: ج ۳: ۱۰۶-۱۰۸).

البته تکامل ارواح با هم متفاوت است، هر روحی به تناسب ملکات اخلاقی و عقاید صحیح و اعمال و افکار نیکی که در دنیا کسب کرده و یا برعکس، به کمال متناسب خود می‌رسد، چرا که در این دنیا انسان‌ها از نظر کسب اخلاقیات یکسان نیستند، بنا براین نوع تکاملشان نیز متفاوت خواهد بود.

امام خمینی (ره) در این زمینه می‌نویسد: «ناگفته نماند در کسب فضایل این طور نیست که فرقی در آن‌ها نباشد چون به محض بیرون رفتن از دار طبیعت تجرد عقلانی، کامل نیست بلکه برزخ هم هست که باید از آن برزخ هم به حرکت جوهریه گذشت و به تجرد عقلانی صرف وارد شد، پس برزخ برای همه هست و اهل برزخ وجود برزخی بین وجود تجرد عقلانی و وجود جسمانی طبیعی دارند، لذا بهشت سعدا بهشت برزخی و جهنم اشقیاء دوزخ برزخی خواهد بود و عالم برزخ هم یک مرحله‌ی قهری از مراتب وجود است، لذا برای همه قهری است منتهی کسانی که در این عالم مطالب عقلانی و فضایی کسب کردند راه برزخشان کوتاه است و زود به عالم تجرد عقلانی می‌رسند و سیر برزخی آنها کمتر می‌باشد، و حرکت جوهریه برزخیه تندتر و سریع تر می‌گردد، چون به معاونت کسب فضایل عقلانی، برای نیل به خلقت تجرد عقلانی مستعدتر هستند و هم چنین آنهایی که کسب رذایل کرده‌اند تجرد کامل زود تر نسبی‌شان می‌شود و در دوزخ برزخی آنقدر معطلی ندارند» (رحیم پور؛ ۱۳۷۳: ۳۱).

با این دلیل هم تکامل برزخی ثابت می‌شود و هم این که تکامل افراد متفاوت است؛ یعنی تکامل فقط برای افراد مؤمن نیست بلکه برای کافران نیز وجود دارد با این تفاوت که تکامل برای افراد مؤمن صعودی و برای افراد کافر نزولی خواهد بود.

دلیل نقلی تکامل در برزخ

همان طور که بیان شد تکامل در برزخ برای نفوسی که در دنیا کامل نشده‌اند نه تنها عقلا محال نیست بلکه امری است لازم، و این مسئله از نظر متون دینی نیز مورد تایید است.

با مراجعه به آیات و روایات چنین استفاده می‌شود که انسان پس از مرگ هم چنان از آثار اعمالی که در دنیا انجام داده است برخوردار شده و به صعود یا نزول او در برزخ می‌انجامد. از جمله آیاتی که به این موضوع اشاره دارد آیه شریفه «أنا نحن نحي الموتى و نكتب ما قدموا آثارهم و کلّ شیء احصیناه فی امام مبین» (یس / ۱۲) منظور از «ما قدموا» در این آیه اعمال دنیوی انسان است و «آثارهم» نیز مصادیقی دارد از جمله: هدایت شدن و بهره جستن افراد از آثار علمی میت، مراکز خیریه ای که در دنیا بنا نموده، و یا گمراه شدن افراد از طریق کتب ضاله‌ای که تألیف کرده، به فساد و تباهی کشیدن ایمان افراد در اثر مراکز فساد که متوفی در دنیا ایجاد کرده و هر عمل دیگری که چنین آثاری را برای میت به بار خواهد آورد و باعث بالا رفتن یا تنزل مقام او در عالم پس از مرگ خواهد شد.

از روایات وارده نیز استفاده می‌شود که ارواح در عالم برزخ بر اثر آثار اعمالی که در دنیا انجام داده‌اند به سیر تکاملی خویش ادامه خواهند داد و به مراتب بالاتر صعود و یا به مراتب پایین تر نزول خواهند کرد.

از جمله این روایات فرمایش پیامبر اسلام (ص) است که فرمودند: «من سنّ سنّه حسنه له اجرها و اجر من عمل بها من غیر ان ینقص من اجورهم شیء» هرکسی سنت نیکویی را پایه گذاری کند هم پاداش سنت گذاری خود را و هم پاداش عمل کنندگان

به آن را دارد بدون این که چیزی از پاداششان کم شود (مجلسی؛ ۱۳۶۹: ج ۱۰۰: ص ۲۳).

از این روایت به خوبی استفاده می‌شود که انسان حتی بعد از مرگش از آثار سنت حسنه خود بهره مند می‌شود و همان طور که سنت حسنه در دنیا موجبات رشد معنوی انسان را فراهم می‌کند در برزخ نیز باعث تکامل او می‌شود.

در روایت دیگر آمده است که روزی حضرت مسیح (ع) از کنار قبری می‌گذشت صاحب آن را در عذاب الهی دید؛ سال دیگر از آنجا می‌گذشت، آرامش بر او مشاهده کرد، هنگامی که از پیشگاه خدا سؤال کرد خطاب آمد که این به خاطر کار نیکی است که فرزند صالح او انجام داد؛ جاده‌ای را اصلاح نمود و یتیمی را پناه داد (مجلسی؛ ۱۳۶۹، ج ۶: ۲۲۰).

از این روایت نیز استفاده می‌شود که عمل فرزند صالح می‌تواند مقام انسان را در برزخ تغییر دهد و این نوعی تکامل محسوب می‌شود.

همچنین از برخی روایات استفاده می‌شود افراد مؤمنی که در دنیا کمبودهایی داشته و نتوانسته‌اند کمبودهای خود را جبران کنند در عالم برزخ پاره‌ای از کمبودهایشان با تعلیم و تربیت جبران می‌گردد. در این زمینه از امام موسی بن جعفر (ع) نقل شده است که: «من مات من اولیائنا و شیعتنا و لم یحسن القرآن علم فی قبره لیرفع الله به من درجته فاندرجات الجنّه علی قدر آیات القرآن، یقال له اقرأ و ارق فیقرأ ثم یرقی»: «هر کس از دوستان و پیروان ما بمیرد و هنوز قرآن را به طور کامل فرا نگرفته باشد در قبرش به او تعلیم می‌دهند تا خداوند به این وسیله درجاتش را بالا ببرد زیرا درجات بهشت به اندازه آیات قرآن است به او گفته می‌شود بخوان و بالا برو، او می‌خواند سپس بالا می‌رود (کلینی؛ ۱۳۸۳، ج ۲: ۶۰۶).

از برخی روایات نیز استفاده می‌شود که اعمال خیری که انسانها نسبت به امواتشان انجام می‌دهند به صورت هدایا به آنها می‌رسد و باعث تغییر درجه و مقام آنها می‌شود. فرمایش امام رضا(ع) در این باره می‌فرماید: «ما من عبد زار قبر مؤمن فقراً علیه انا انزلناه فی ليله القدر سبع مرّات الا غفر الله له و لصاحب القبر» هیچ مؤمنی نیست که قبر مؤمنی را زیارت کند و هفت مرتبه انا انزلناه را بر او بخواند مگر این که خدا او را و صاحب قبر را می‌آمرزد (کاشانی؛ ۱۴۰۳، ج ۸: ۲۹۰) شکی نیست که بخشش گناه بالا رفتن مقام میت است و این نوعی تکامل است.

خلاصه این که از مجموع آیات و روایات چنین استفاده می‌شود که انسان بعد از مرگش در عالم برزخ از آثار اعمال خود و دیگران برخوردار بوده و مقام او ترفیع یا تنزل می‌یابد.

نحوه تکامل در برزخ

با توجه به این که انسان دو نوع تکامل دارد باید روشن شود که مراد از تکامل در عالم برزخ چه نوع تکاملی است. آیا همانند دنیا در عالم برزخ نیز از هر دو نوع تکامل عملی و نظری برخوردار می‌شود یا فقط در آن عالم تکامل نظری میسر است؟ اگر مراد از تکامل عملی این باشد که انسان خود عملی انجام دهد مانند عبادات و در اثر آن تکامل یابد، باید گفت در آن عالم چنین تکاملی ممکن نیست چون این نوع تکامل نیاز به ابزار و آلات دارد و بدون آنها نفس نمی‌تواند سیر تکاملی خود را ادامه دهد، از جمله آن ابزار، بدن مادی است که نفس در سایه بدن مادی به عنوان ابزار با انجام دادن اعمال خاصی که خداوند به عنوان تکلیف برای انسان معین ساخته،

به تکامل خود ادامه می‌دهد در حالی که عالم برزخ عالم صورت‌هاست و ماده در آن حضور ندارد.

اما اگر مراد از تکامل عملی این است که انسان بعد از انتقال به عالم برزخ در سایه اعمال حسنه یا سیئه گذشته خود که سود یا زیان آن متوجه دیگران می‌شود و یا خیرات و صدقاتی که اطرافیانش برای او می‌فرستند عذاب او کم می‌شود و یا درجه او بالا می‌رود و یا به خاطر اعمال بد گذشته‌اش مورد لعن دیگران قرار گرفته و تنزل مقام یابد، این نوع تکامل در برزخ ممکن و مورد تأیید متون دینی می‌باشد و انسان با این آثار آمادگی لازم برای حضور در عالم آخرت را کسب می‌کند.

و اما تکامل نظری قطعاً برای انسان در عالم برزخ ممکن است چون مراد از تکامل نظری تعلیم و تعلم است و نفس در آن عالم از قوه تعلیم برخوردار است و همین برای یادگیری کافی است و نیاز به ابزار دیگری ندارد، از طرفی برزخ جای رکود و توقف نیست، بلکه روح و عقل انسان در آن عالم به سوی تکامل علمی، فرهنگی و دینی در حرکت است، به اینگونه که نفوس دور هم جمع می‌شوند و مطالب علمی و معارف دینی را به وسیله ارواح عالمان و نوایغ دینی، برای آنان که به دنبال کسب این گونه معلومات هستند، ارائه می‌شود.

برخی روایات حاکی از آن است که آموزش قرآن در برزخ صورت می‌گیرد، چون ارتقای درجات بهشت در گرو خواندن قرآن است، ملائکه می‌گویند قرآن بخوان و بالا برو.

امکان تعلیم قرآن بیانگر این است که آموزش‌های دینی و عقلانی در آنجا ممکن است، زیرا این گونه نیست که چون فرد بمیرد خود به خود دانشمند و دانا شود، و آنان

که در دنیا از معلومات بی خبرند، در برزخ نیز چنین‌اند. بلکه در برزخ فرصتی مساعد برای تعلیم و تعلم است (شریفی سبزواری؛ ۱۳۸۲: ۳۲۴).

خلاصه این که در عالم برزخ زمینه تکامل نظری برای نفوسی که نیاز به تکامل دارند مهیا است و چنین نفوسی می‌توانند از ارواح عالمان بهره برده و آمادگی حضور در قیامت را کسب نمایند.

نتیجه

با توجه به این که غالب انسان‌ها قبل از این که نفوسشان به تکامل لازم برسد با اجل معلق و مرگ اخترامی دنیا را ترک کرده و به عالم برزخ منتقل می‌شوند و از طرف دیگر همه نفوس باید قبل از حضور در صحنه قیامت تکامل لازم را کسب کنند، پس تنها جایی که امکان تکامل برای این نفوس وجود دارد عالم برزخ است، بنابراین تکامل در برزخ نه تنها محال نیست بلکه کاملاً امکان پذیر و مطابق با متون دینی می‌باشد.

اما نوع و نحوه تکامل در عالم برزخ با دنیا فرق دارد چون در دنیا نفوس در سایه تکالیف شرعی، با ابزار بدن به تکامل می‌رسند ولی در برزخ تکامل غالباً نظری است و تکامل عملی به این معنا که آنچه در دنیا انجام داده بعد از مرگ به خاطر برخوردار شدن دیگران از آثار آن اعمال و یا خیراتی که دیگران هدیه می‌کنند موجب تکامل او می‌شوند نیز ممکن است.

منابع

- قرآن مجید
- ابن منظور، جمال‌الدین محمد بن مکرم (۱۴۰۸)؛ *لسان العرب*، نشر دارالاحیاء التراث العربی، چ اول، لبنان.
- ابن عربی، محی‌الدین (۱۳۶۳)؛ *شرح فصوص الحکم*، انتشارات بیدار، تهران.
- آشتیانی، سیدجلال‌الدین (۱۳۷۵)؛ *شرح مقدمه‌ی قیصری بر فصوص الحکم*، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴)؛ *تفسیر موضوعی قرآن*، نشر اسراء، چ ۳، قم.
- حسن‌زاده آملی، حسن (۱۳۷۱)؛ *عیون مسائل نفس و شرح العیون*، مؤسسه‌ی امیر کبیر، چ اول، تهران.
- ----- (۱۳۸۲)؛ *دروس شرح اشارات و تنبیهات ابن سینا*، نمط هشتم، به اهتمام صادق حسن‌زاده، انتشارات مطبوعات دینی، قم.
- حسینی طهرانی، محمد حسین (۱۴۱۷)؛ *معاد شناسی*، انتشارات علامه طباطبایی، چ پنجم، مشهد.
- دیوانی، امیر (۱۳۸۶)؛ *حیات جاودانه*، انتشارات نشر معارف، قم.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (بی‌تا)؛ *المفردات فی غریب القرآن*، نشر دارالاحیاء التراث العربی، لبنان.
- رحیم پور، فروغ‌السادات (۱۳۸۲)؛ *معاد از دیدگاه امام خمینی (ره)*، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چ ۳، تهران.
- ----- (۱۳۷۳)؛ *آیین انقلاب اسلامی؛ گزیده‌ای از اندیشه و آراء امام خمینی (ره)*، مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چ اول، تهران.
- شریفی سبزواری، محمد باقر (۱۳۸۲)؛ *معاد در نگاه عقل و دین*، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چ چهارم، قم.

- شبر، عبد الله (۱۴۱۸)؛ *حق الیقین*، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چ اول، بیروت.
- صالحی حاجی آبادی، نعمت الله (۱۳۸۲)؛ *انسان از مرگ تا برزخ*، انتشارات گل‌های بهشت، قم.
- صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۷)؛ *المظاهر الهیه فی اسرار العلوم الکمالیه*، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ اول، تهران.
- _____ (۱۴۲۲)؛ *شرح الهدایه الاثیریة*، نشر دارالاحیاء التراث العربی، چ اول، بیروت.
- عباس زاده، عباس (۱۳۸۲)؛ *بعد از مرگ بر ما چه می‌گذرد؟*، انتشارات شاکر، قم.
- قاسمی، علی محمد (۱۳۸۴)؛ *برزخ*، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چ اول، قم.
- قیصری، داود بن محمد (بی تا)؛ *شرح القیصری علی فصوص الحکم*، ایران، بی جا.
- کاشانی، محسن (۱۴۰۳)؛ *محجه البیضاء*، نشر مؤسسه الاعلمی و للمطبوعات، چ دوم، بیروت.
- کلینی، محمد (۱۳۸۳)؛ *اصول کافی*، نشر صلوات، چ اول، قم.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۶۹)؛ *بهار الانوار*، نشر دار الکتب الاسلامیه، چ سوم، تهران.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۱)؛ *پیام قرآن*، نشر دار الکتب الاسلامیه، تهران.